

بررسی و طبقه‌بندی مفاهیم استعاری مدیریت دانش: مطالعه منابع و حیانی و روایی و منابع غربی

ابوالفضل گائینی*

حسنعلی نعمتی شمس‌آباد**

مرضیه صبائی***

چکیده

هدف مقاله، دسته‌بندی استعاره‌هایی است که مفهوم دانش را تبیین و جایگاه آن را در مبحث مدیریت دانش، نمایان می‌کنند. در این مقاله مفاهیم نهفته در استعاره‌هایی که در متون متخصصان این حوزه، برای واژه دانش به کار گرفته شده، بررسی می‌شود و زمینه را برای پاسخ به این سوال فراهم می‌آورد که دانش در سازمان‌ها، چه نقش و جایگاهی دارد و چگونه باید مدیریت شود؟ برای پاسخ به این سوال، مقاله‌های مدیریت دانش در تعدادی از پایگاه‌های علمی به صورت روشمند مرور شد. در همین راستا و به دلیل تأکید اسلام بر نقش و اهمیت دانش، مجموعه‌ای از آیات قرآن و روایات حاوی واژه علم استخراج گردید و پس از بررسی متن آیات و روایات به روش تحلیلی، مجموعه گسترده‌ای از استعاره‌ها، مختصاً واژه علم گردآوری شد تا با در دست داشتن یک دسته‌بندی از استعاره‌های دانش موجود در متون و حیانی و روایی، ضمن مروری همه جانبه بر استعاره‌های دانش، بیان نتایج مدیریتی حاصل، ما را به سمت دستیابی به هدفمان که نمایش جلوه ارزشمند دانش برای رشد و تعالی هر سازمان است هدایت کند.

واژگان کلیدی: دانش، استعاره، مدیریت دانش، استعاره مفهومی، سازمان

rahimigaini@yahoo.com

nemati@ut.ac.ir

saabaei@gmail.com

* استادیار گروه مدیریت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ رایانامه

** استادیار مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه تهران؛ رایانامه

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی فناوری اطلاعات موسسه نور طوبی؛ رایانامه

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۱۱

مقدمه

این مقاله با هدف بررسی مفاهیمی از دانش که در متون متخصصان حوزه مدیریت دانش، به زبان استعاری تدوین شده نگارش یافته است. طبقه‌بندی استعاره‌هایی که برای واژه دانش، در متون اسلامی و غربی یافت می‌شود، جایگاه و اهمیت دانش را در ذهن مخاطبان حوزه مدیریت، به شیوه متفاوت و ارزشمندی نمایان می‌کند. در حقیقت، نگاهی که بین حوزه مبدا و حوزه مقصد (که همان دانش است) صورت گرفته است، از نظر پژوهشگران، بررسی می‌شود تا چگونگی برخورد انسان را در مواجهه با دانش تعریف کند.

واضح است که نمی‌توان منکر وجود استعاره‌ها در زبان شد؛ ولی با نگاه دقیق‌تر باید بیان کرد که زبان، استعاره است. یعنی زبان با استعاره، زبان شده و استعاره، جان زبان است و نمی‌توان آن را از زبان جدا کرد (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴). در واقع استعاره در ذات زبان است و اگر نباشد، زبان هم نیست (همان، ص ۷). خاصیت زبان غنی و استعاری این است که نمی‌گذارد معانی در الفاظ محبوس و محدود شود (همان، ص ۱۰).

این مطالب اهمیت توجه به نوع بیان متون را بیش از پیش جلوه‌گر کرده و توجه ما را به تمرکز بر نگاه استعاره‌ای به کلام متخصصان کشانده است و سبب استخراج مفاهیمی شده که در قالبی با نام استعاره مفهومی، جای گرفته‌اند. البته باید اشاره کرد که تنها مشکل استعاره‌ها این است که معرفتی که توسط آنها حاصل می‌شود، معرفتی بخشی است؛ چراکه استعاره، تنها در وجه شبه خود می‌تواند معرفت‌زایی کند و این به آن معناست که شناخت ایجاد شده توسط استعاره صرفاً ناظر بر جنبه و بخش خاص از آن پدیده بوده و سایر وجوه پدیده، مغفول باقی مانده است و این موضوع، موکد این مطلب است که نظریه‌پردازان در مقام شناخت پدیده‌های گوناگون، باید به اتخاذ مجموعه‌ای از استعاره‌ها بپردازند تا افق دید خود را گسترش دهند و به شناخت جامع‌تری نسبت به پدیده مورد نظر نائل آیند (جوانعلی آذر، ۱۳۹۱، ص ۵۳).

استعاره از مهم‌ترین پدیده‌های زبانی است که در چارچوب علوم شناختی معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرده است. استعاره در این چشم‌انداز جدید، جزء اساسی تفکر بشر و بلکه وجه و بُعد بنیادی آن است. این نکته تاثیر فراوانی در تحلیل استعاره‌های متون

دینی دارد و نقش آنها را در تفکر دینی نشان می‌دهد (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۷).

بر اساس مطالب بالا استعاره‌ها را نباید صرفاً ابزارهای زبانی در نظر گرفت؛ بلکه آنها صنایع فکری هستند که اندیشهٔ آدمی را دگرگون می‌کنند که باید کل هستی و طبیعت و انسان و وحی را از دریچهٔ آنها نگریست (همان، ص ۵۸).

در این مقاله با مرور پیشینه موجود در زمینه استعاره‌های دانش در متون غربی و آوردن دسته‌بندی انجام شده در این زمینه، روش اندرسون، یکی از پژوهشگران فعال این حوزه، بررسی و استعاره‌های موجود در متون و حیانی و روایی با این روش استخراج می‌شود تا با استخراج مفاهیم درج شده در هر یک از استعاره‌ها، نتایج مدیریتی و جایگاه ارزشمند دانش و اهمیت مدیریت آن برای رشد و تعالی هر سازمان بیان شود.

مبانی نظری

استعاره^۱ انتقال معنا از عنصری به عنصر دیگر است؛ یعنی عنصری که مفهوم مشخص‌تر و شناخته‌شده‌تری دارد، تمام یا قسمتی از معنای خود را به عنصر دیگری که اغلب کمتر شناخته‌شده است و دسترسی زیادی به آن وجود ندارد منتقل می‌کند و از این طریق موجب شناخت آن پدیده می‌شود و این موضوع بیانگر آن است که درون‌مایه استعاره، درک و تجربه چیزی بر حسب چیز دیگر است (جوانعلی آذر، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

در استعاره، «از پدیده‌ها به گونه‌ای یاد می‌شود که گویی با پدیدهٔ دیگری مواجه شده‌ایم. استعاره یکی از مشخصه‌های فراگیری زبان بشری است؛ به همین دلیل توانایی فهم و کاربرد آن، یک ویژگی تکامل‌یافتهٔ زبانی است. به گفتهٔ ارسطو، توانایی کاربرد درست استعاره، نشانهٔ نبوغ است» (کرد زعفرانلو کامبوزیا و حاجیان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷).

اسکوچنسکا^۲ معتقد است که در متون تخصصی، استعاره نه تنها به‌عنوان یک عنصر ادبی در زبان تعریف می‌شود؛ بلکه به‌عنوان یک پدیده شناختی است که ساختار اندیشه و عمل را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. فرآیندی که از این طریق صورت می‌پذیرد،

1 Metaphor

2 Skorzynska

تئوری ایجاد نگاهت از یک دامنه منبع (مبدا) به یک دامنه هدف (مقصد) است (۲۰۱۴، ص ۲۳۴۴).

در حقیقت ماهیت استعاره این است که ما را به دیدن شباهت‌ها دعوت می‌کند و تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد (بریتنو و اندرسون، ۲۰۰۸، ص ۱). «اهمیت کاربرد استعاره در بیان ادراکات شهودی به حدی است که گفته می‌شود کشف یک استعاره مناسب در حیطه متافیزیک، که حیطه‌ای متعالی است، یک راه ویژه تفکر و یک شیوه شناخت است؛ زیرا کشف این استعاره به معنای کشف بعضی ویژگی‌های ظریف ساختار حقیقت است و این نکته‌ای است که گرچه به‌عنوان یک امر واقعی، آگاهی متعالی به نهایت بدیهی و به خود پیدااست، اما در سطح تفکر، بحثی چنان ظریف و فرار است که عقل انسان، آن را تنها در قالب استعاره‌ای می‌تواند درک کند» (بهنام، ۱۳۸۹، ص ۹۴).

حال باید گام را فراتر بگذاریم و استعاره‌های مفهومی را تحلیل کنیم. در زبان‌شناسی شناختی، به فهم یک حوزه مفهومی^۲ بر حسب حوزه مفهومی دیگر، استعاره مفهومی^۳ گفته می‌شود. این مدل مطرح شده با فهم یک مفهوم یا پدیده انتزاعی بر اساس یک شی یا پدیده دیگر متفاوت است. به‌عنوان نمونه، «حوزه مفهومی اندیشه، علاوه بر اندیشه، شامل فکر، شنیدن حرف، کتاب، پراکنده‌گویی و مانند آن نیز هست. بنابراین، استعاره مفهومی صرفاً نمایانگر فهم حوزه‌های مفهومی بر اساس یکدیگر است و بر مصادیق زبانی آنها دلالتی ندارد. به تعبیر دیگر در استعاره مفهومی، از برخی عناصر حوزه مبدا برای فهم حوزه مقصد استفاده می‌شود» (هوشنگی و سیفی پَرگو، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

تمایز بین رویکرد معنایی و رویکرد رفتاری در برابر استعاره بسیار مهم است. همان‌طور که گفته شد این درست نیست که همه استعاره‌هایی که به صورت معنایی معرفی می‌شوند را بتوان هم در قالب زبانی و هم در ساختار مفهومی گفتمان پیدا کرد. گاهی برخی تعبیرهای استعاره‌ها به صورت عمد و با هدف انتقال یک منظور خاص، تعریف می‌شوند؛ اما پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که این‌گونه استفاده عمدی از استعاره‌ها در گفتمان‌های طبیعی رخ می‌دهد تا برای پیگیری اهدافی با معانی گسترده‌تر بوده و راهی برای توضیح و مدل‌سازی بهتر فراهم کند و در مباحث انتزاعی مثل دانش

1- Bratianu, Constanin, & Andriessen

2 Conceptual Domain

3 Conceptual Metaphor

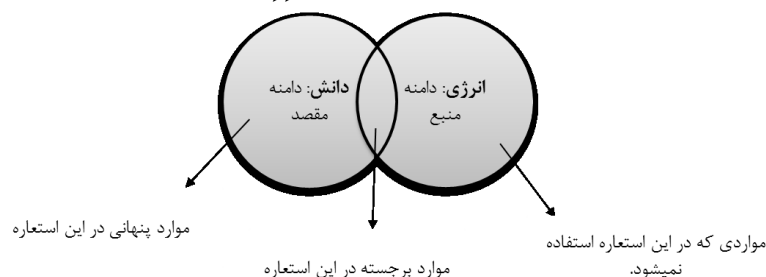
و مدیریت آن، استعاره‌ها به شکل ساختارمند و منظم و به صورت تعریف‌شده وجود دارند و با هدفی خاص طراحی نمی‌شوند. در واقع نقش استعاره در مدیریت دانش به صورت قدرتی بالقوه است و قطعاً باعث ارائه یک پازل جذاب برای بسیاری از انشعابات مربوط به آن است (استین، ۲۰۱۱، ص ۱۸۳).

آنچه در استعاره مفهومی روی می‌دهد، نگاشت دو حوزه است؛ به این معنا که اگر عناصر حوزه‌ای مفهومی را یک مجموعه و عناصر حوزه مفهومی دیگر را مجموعه‌ای دیگر بدانیم، نگاشت‌هایی میان این دو مجموعه روی می‌دهد؛ یعنی عناصری از حوزه مبدأ بر عناصر حوزه مقصد نگاشته می‌شوند (هوشنگی و سیفی پَرگو، ۱۳۸۸، ص ۱۴). «نگاشت، واژه‌ای قرضی از ریاضی است و منظور از آن، تناظرهای نظام‌مند استعاری بین مفاهیمی است که ارتباطی نزدیک با یکدیگر دارند» (افراشی و حسامی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴).

تحلیل متون استعاری، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا استدلال‌های استعاری به ما اجازه می‌دهد تا برای درک پدیده‌ها در سطح انتزاعی (دامنه هدف)، از صفاتی از پدیده‌ها در سطح پایه (دامنه منبع)، کمک گرفته و به درکی جدید و معنادار، دست پیدا کنیم که این را می‌توان، نقشه‌برداری استادانه از دامنه منبع به دامنه هدف دانست (اندرسون، ۲۰۰۶، ص ۹۴).

تصویری که بریتنو و اندرسون، برای دامنه مبدأ و مقصد در استعاره دانش به مثابه انرژی آورده‌اند، نمایشی از شیوه استناد به تشابهات میان دامنه‌هاست.

دامنه منبع و مقصد در استعاره دانش به‌عنوان انرژی (بریتنو و اندرسون، ۲۰۰۸، ص ۲)



اما باید این موضوع را هم در نظر داشت که استعاره ماهیتاً متناقض است؛ زیرا در عین اینکه بینش‌هایی را به وجود می‌آورد، تحریف‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. در واقع در تفکر استعاره‌ای، یک شیوه دیدن، در کنار یک شیوه ندیدن، مطرح می‌شود. به عبارت بهتر، استعاره ما را به دیدن شباهت‌ها دعوت می‌کند و تفاوت‌ها را ندیده می‌گیرد، این همان چیزی است که مورگان، از آن به عنوان خطای سازنده نام می‌برد (وارث، ۱۳۸۰، ص ۲۹).

لیکاف و جانسون^۱ نخستین بار در کتاب استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، به طرح نظریه استعاره مفهومی پرداخته‌اند و در تکمیل آن در کتابی با نام فلسفه جسمانی، چهار اصل را در خصوص ماهیت معنا بیان می‌کنند (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱):

الف. «اساس و پایه استعاره‌ها مفاهیم هستند و نه واژه‌ها. به بیان دیگر استعاره‌ها واحدهای مفهومی هستند و نه واژگانی»؛

ب. «با توجه به شواهد موجود استعاره‌ها عموماً براساس تشابه نیستند؛ بلکه بر اساس زمینه‌های محیطی ما بین دو حوزه مفهومی متفاوت شکل می‌گیرند»؛

ج. «حتی عمیق‌ترین مفاهیم ما از قبیل زمان، علیت، اخلاق و غیره از طریق استعاره‌های چندگانه استدلال و فهمیده می‌شوند»؛

د. «شیوه و نظام استعاره‌های مفهومی، قراردادی و یا صرفاً دارای زمینه تاریخی نیست؛ بلکه تا حد زیادی براساس وجه مشترک ماهیت جسمانی ما و رابطه آن با دنیای پیرامونی و تجربه‌های روزانه شکل می‌گیرد».

«لیکاف و جانسون معتقدند شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنای استعاری دارد و نظام مفهومی^۲ به میزان قابل توجهی نتیجه عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقشی اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی است و از آنجا که این نظام، ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز استعاری است. در واقع آنها به این نکته تاکید دارند که الگوهای سازنده عبارت‌های استعاری، در زبان، واقع نیستند؛ بلکه جایگاه آنها در اندیشه است». (افراشی و حسامی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳).

1 Constructive Falsehood

2 Lakoff and Johnson

3 Conceptual System

ما به طور ناخودآگاه، می‌توانیم مفهوم استفاده از استعاره‌ها در موضوع‌های گوناگون مثل مدیریت دانش را تشخیص دهیم؛ زیرا استعاره‌ها، خودشان را در استفاده غیر تحت‌الفظی اسامی، افعال و صفات معین، مرتبط با مفهوم اصلی نظریه‌های مدیریت دانش و دانش، نشان می‌دهند. بنابراین، استفاده از استعاره‌ها در مدیریت دانش، می‌تواند سبب تحلیل بهتر مفاهیم این حوزه شود (اندرسون، ۲۰۱۱، ص ۲).

نظریه «اندیشه استعاری» که توسط جانسون و همکارش بیان شده است، نقش استعاره در تفکر انسان را بر سه یافته علوم شناختی استوار می‌داند: نخست اینکه ذهن، ذاتاً هر کلمه را مجسم می‌کند؛ دوم اینکه اندیشه، به‌طور عمده ناخودآگاه عمل می‌کند و سومین مورد هم، این است که چکیده مفاهیم، به‌طور عمده استعاری هستند که این موضوع، می‌تواند توانایی تکامل بشر، جهت استدلال را ثابت کند (اندرسون، ۲۰۰۶، ص ۹۴).

پیشینه پژوهش

استعاره‌های دانش در پیشینه غرب

همان‌طور که گفته شد استعاره، نقشه‌برداری استادانه از دامنه منبع به دامنه هدف است. می‌دانیم که دانش، یک مفهوم انتزاعی است که هیچ ارجاعی در جهان واقعی ندارد. بنابراین، ما از استعاره استفاده می‌کنیم تا با در نظر گرفتن نقشه عناصری که در دنیای واقعی با آنها آشنا هستیم، مفاهیمی را بر روی واژه دانش پیاده و آن را قابل درک کنیم. در واقع به این دلیل که دانش، مفهومی نیست که دارای یک ساختار به وضوح مشخص باشد، هر ساختاری که به خود گرفته را از طریق استعاره دریافت کرده است (اندرسون، ۲۰۰۶، ص ۹۶).

دنیل اندرسون به عنوان یکی از پژوهشگرانی که سابقه‌ای ارزشمند در زمینه مبحث استعاره‌ها دارد، توجه به انواع مختلف استعاره‌ها را منجر به تفکر در مورد دانش و شروع گفت‌وگو در مورد مدیریت و کنترل دانش مطرح می‌کند. (اندرسون، ۲۰۰۸).

اندرسون و همکارانش نشان دادند که مفهوم دانش در مدیریت دانش و ادبیات سرمایه‌های فکری پایه اصلی استعاره است. در غرب غالب استعاره‌های دانش، بر اساس ایده دانش به‌عنوان ماده هستند. از این بابت نتیجه گرفته‌اند که برای دستیابی به

پیشرفت در این حوزه، نیاز به پیدا کردن تعداد بیشتری از استعاره‌های غیر مادی جدید وجود دارد (بریتنو و اندرسون، ۲۰۰۸، ص ۱).

در استعاره، با مفهوم دامنه مبدأ و مقصد روبه‌رو هستیم. هسته معنایی استعاره، به وسیله فصل مشترک دو دامنه معنایی به دست می‌آید. فصل مشترک معنایی بزرگ‌تر، تقریب شناختی بهتری را در زمان استفاده از یک استعاره، فراهم می‌کند. باید به این نکته هم توجه داشت که همیشه ویژگی‌هایی از دامنه منبع وجود دارد که نمی‌تواند به وسیله استعاره، استفاده شود. همچنین دامنه مقصد نیز دارای ویژگی‌هایی است که توسط دامنه منبع قابل پوشش نمی‌باشد. در شکل ۲، که تفسیر استعاره انرژی است، این مفهوم نشان داده شده است (همان‌جا).

تعریف‌های زیادی برای دانش وجود دارد که هر یک از این تعاریف، از منظری خاص به دانش می‌نگرد (جین بابتیسته و همکاران، ۲۰۰۸). در متون غربی، استعاره-های زیادی بیان شده که در اینجا چند مورد از آنها ارائه می‌شود:

۱. دانش به‌عنوان انرژی

دامنه منبع در واقع نماینده مفهوم انرژی و دامنه مقصد نماینده مفهوم دانش است. دانش به‌عنوان یک حوزه، نشان‌دهنده جلوه‌ای از انرژی است. در واقع انرژی، میدانی از نیروهاست که به‌طور طبیعی و به صورت انبوه وجود دارد و به‌عنوان دامنه‌ای مداوم، قابل گسترش است. ویژگی‌هایی همچون قابلیت ایجاد، ذخیره‌سازی، استقرار، حرکت، کنترل و دستکاری شدن از این استعاره قابل استخراج است (بریتنو و اندرسون، ۲۰۰۸، ص ۲) و اینها ویژگی‌هایی هستند که با نسبت دادن آنها به دانش، می‌توان نوع نگاه مدیریتی به دانش را تغییر داد. توجه به اهمیت تولید و ذخیره مناسب دانش، اهمیت چگونگی انتقال صحیح دانش، مقاومت در برابر تغییرات احتمالی دانش در سازمان و...، سبب تغییر نگرش در نحوه مدیریت دانش در هر سازمانی می‌شود.

۲. دانش به عنوان ماده‌ای فیزیکی

تشبیه دانش به ماده‌ای فیزیکی، با تکیه بر ویژگی‌هایی همچون قابلیت حرکت، ثبات، جایگیری در فضا و مکان صورت می‌گیرد. امکان تبدیل و تغییر شکل، امکان انتقال، پراکندگی، ذخیره، به اشتراک‌گذاری، مدیریت، داشتن محدودیت فضایی، قابلیت مبادله، ارزش‌گذاری و سرمایه‌گذاری از دیگر مواردی است که از نظر پژوهشگران به‌عنوان وجوه مشترک این دو حوزه (ماده فیزیکی و دانش) بیان شده است و در مواردی مثل به‌کارگیری عبارات دارایی دانش، سهام دانش و سرمایه معنوی می‌توان به این استعاره مراجعه کرد (اندرسون، ۲۰۰۶، ص ۹۸-۹۷). تمرکز بر این ویژگی‌ها برای دانش، همچون امکان انتقال و اشتراک‌گذاری، نحوه مدیریت دانش در سازمان را با تکیه بر اهمیت همکاری بین افراد و تلاش برای همگام‌سازی اطلاعات پیش می‌برد.

۳. دانش به عنوان موج

قابلیت تولید، تقویت، انتقال، تکثیر و انتشار که وجه مشترک بین دانش و استعاره موج می‌باشد، این اجازه را می‌دهد که در عباراتی مانند انتشار فناوری اطلاعات و تقویت دانش به این استعاره‌ها استناد شود (همان، ص ۹۸). به‌عنوان نمونه توجه به ویژگی انتشار برای دانش، مانع از نگهداری بی‌مورد دانش (دانش‌هایی که انتشار آن ضرری برای سازمان نداشته باشد) در سازمان شده و انتشار آن بین سازمان‌ها، راهی برای تبادل دانش و کسب اطلاعات و در نتیجه تکثیر دانش سازمان می‌شود. که این نوع مدیریت دانش سبب ارتقا علمی سازمان می‌شود.

۴. دانش به مثابه موجود زنده

توانایی حرکت، انتقال، تکامل و فعال بودن از ویژگی‌هایی است که به‌عنوان وجوه مشترک بین دانش و استعاره موجود زنده در نظر می‌آید. ویژگی‌هایی مثل در تعامل بودن دانش ضمنی و دانش صریح، قابلیت دریافت کردن دانش از مواردی است که صحت به‌کارگیری این استعاره را تصدیق می‌کند. (همان، ص ۹۹-۹۸). توجه به این استعاره، سبب غلبه مدیریتی پویا نسبت به مدیریتی ایستا بر دانش می‌شود تا از این طریق قابلیت تکامل و حرکت دانش در سازمان فراهم شود.

۵. دانش به عنوان افکار و احساسات

توجه به وجوهی که کمتر حالت فیزیکی و قابل لمس دارند، سبب ایجاد این استعاره برای واژه دانش شده است. از احساسات، عقاید و افکار معمولاً برای مفهوم‌سازی ماهیت نامشهود دانش، استفاده می‌شود. تمایز کلاسیک بین دانش ضمنی و صریح، اساس و پایه این استعاره است (همان، ص ۹۹). دقت در این استعاره سبب توجه و اهمیت به مدیریت دانش ضمنی در سازمان می‌شود.

۶. دانش به مثابه فرآیند

پویایی، قابلیت ارزیابی، توجیه و داشتن چند نتیجه و پایان، به‌عنوان مواردی است که به‌عنوان تشابهات این دو حوزه مبدأ و مقصد، مورد توجه بوده است. دانش به‌عنوان یک فرآیند، قلب تعریف نانوکا و تاکوچی^۱ از دانش است که آنها، دانش را به عنوان یک فرآیند پویای انسانی قلمداد می‌کنند (همان‌جا). نگاه فرآیندی به دانش سبب ایجاد نگاهی متعالی به مدیریت دانش می‌شود؛ به‌نحوی-

¹ Nonakaand Takeuchi

که وجود دانش در سازمان را وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف می‌داند و این موضوع، لزوم ارزیابی دانش را در طی مراحل کار، مهم قلمداد و این مطلب، نحوه مدیریت آن را متحول می‌کند.

۷. دانش به مثابه ساختار

داشتن چارچوبی برای ارزیابی، ترکیب و همچنین تجزیه تجارب و اطلاعات جدید به‌عنوان شاخصه‌های اصلی این استعاره است. این استعاره، هسته تعریف دانپورت و پروساک^۱ را تشکیل می‌دهد که دانش را به‌عنوان یک سیستم شامل عناصر شناختی معرفی می‌کند (همان‌جا). توجه به قوانین، مقررات و چارچوب-های تعریف شده برای دانش لازم برای سازمان اهمیت مدیریت صحیح دانش را جلوه‌گر می‌کند.

۸. دانش به‌عنوان منبع

اهمیت تولید، ذخیره، به اشتراک‌گذاری، توزیع، جذب نوع نگاه ارزشی، قابلیت اندازه‌گیری، توجه به بهینه‌سازی فرآیندها و مدیریت کیفیت از جمله نمونه‌های استفاده از این استعاره برای دانش است (اندرسون، ۲۰۱۱، ص ۲) که به‌عنوان نمونه مدیریت کیفیت و بهینه‌سازی فرآیندها از جمله شاخصه‌های یک مدیریت مناسب برای دانش قلمداد می‌شود.

۹. دانش به‌عنوان دارایی

ویژگی‌های برجسته‌ای که این استعاره را به دانش مرتبط کرده است، توجه به تولید، اندازه‌گیری، سرمایه‌گذاری و کنترل آن است. وجود مطالبی همچون

¹ Davenport and Prusak

مدیریت، برنامه‌ریزی، کنترل و تهیه گزارش دقیق و منظم اطلاعات از کاربردهای این استعاره برای دانش و مدیریت آن است (همان، ص ۳).

روش تحقیق در پژوهش‌های استعاری

در این پژوهش، مقاله‌های پایگاه‌های داده ScienceDirect و Emerald و noormags و مجله‌های مرتبط از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۵ و سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۴ بر اساس واژگان کلیدی زیر، بررسی شده و به تعداد زیادی از منابع مرتبط دست یافتیم که نام تأثیرگذارترین منابع مورد بررسی، در این مقاله عنوان شده است.

جدول کلمات کلیدی

کلمات کلیدی جستجو	
فارسی	انگلیسی
استعاره	Metaphor
مدیریت	Management
دانش	Science
علم	Knowledge
مدیریت دانش	Knowledge Management
سازمان	organization
اندرسون	Andriessen

در این مطالعه از تجربه پژوهشگرانی که در زمینه استعاره پژوهش‌های گسترده‌ای داشته‌اند، استفاده شده است. یکی از پژوهشگرانی که به‌ویژه، در زمینه استعاره‌ها به فعالیت پرداخته و دسته‌بندی جامعی را از استعاره‌های دانش پدید آورده است، دنیل اندرسون است که در بحث چگونگی استخراج مفاهیم استعاری دانش، می‌توان به روش

او استناد کرد. طی کردن این روش شش مرحله‌ای، کمک خواهد کرد تا استعاره‌ها را در متون مورد نظر استخراج کنیم (اندرسون، ۲۰۰۶، ص ۹۶).

مرحله ۱: در متن مورد نظر، اسامی مرتبط با دانش را مشخص می‌کنیم. همچون دانش، دارایی دانش، شرکت دانش؛

مرحله ۲: برای هر اسم، فعل مرتبط را شناسایی می‌کنیم مانند: ایجاد، ذخیره، اجرا؛

مرحله ۳: برای هر اسمی از دانش، بررسی می‌کنیم که آیا ویژگی‌های دانش مانند انعطاف‌پذیری، سرعت و پیچیدگی شرح داده شده است؟

مرحله ۴: برای هر گفتمانی که در مورد دانش در متن پیدا می‌کنیم، یک استعاره اساسی باید مشخص شده باشد که این استعاره‌ها، اغلب در معنای تحت‌اللفظی افعال و صفات یافت می‌شوند؛

مرحله ۵: استعاره می‌تواند زیرمجموعه‌ای از استعاره‌های گسترده‌تر باشد. به عنوان مثال استعاره «دانش به عنوان آب»، زیر مجموعه استعاره «دانش به عنوان ماده» است؛

مرحله ۶: استعاره‌های شناسایی شده در متون را با اظهارات بیان شده در متون دیگر مقایسه و بازبینی می‌کنیم.

در همین راستا و در تحلیل استعاره‌هایی که از لفظ علم در آنها استفاده شده است، با توجه به بررسی آیات و روایات، و به‌کارگیری روش اندرسون و دقت در این نکته که آیات و روایاتی که در مورد علم خدا و ائمه صحبت شده بود حذف گردید، نتایج زیر به دست آمد:

۱۰۳ آیه از مجموعه آیات قرآن، حاوی واژه علم، مورد جستجو قرار گرفت و در کنار آن، ۸۸۴ روایت از ۱۳ جلد کتاب میزان الحکمه که به‌عنوان یکی از کتب معتبر شیعه است، استخراج شد. از مجموع ۸۸۴ روایت حاوی واژه علم، تعدادی از روایات که مختص علم خدا و ائمه بودند حذف و سبب شد تا ۶۷۰ روایت تحلیل شود. از مجموعه ۶۷۰ روایت، جملاتی که حاوی واژه علم بودند، مورد جستجو قرار گرفتند که منجر به استخراج و بررسی بیش از ۷۸۰ جمله پیرامون علم شد.

شش مرحله روش اندرسون برای تمامی ۱۰۳ آیه و ۶۷۰ روایت انجام گرفت و این کار با پر کردن یک فایل اکسل حاوی ستون‌هایی برای بررسی دقیق استعاره-های صریح (الفاظی از استعاره که در متون وحیانی و روایی به طور مستقیم به

آنها اشاره شده است) و استعاره‌های ضمنی (الفاظی از استعاره که در متون و حیانی و روایی به طور غیر مستقیم به آنها اشاره شده و با در نظر گرفتن شش مرحله روش اندرسون استخراج شده است) انجام گرفت و در نهایت برای سنجش استعاره‌های به دست آمده، دسته‌بندی نهایی از استعاره‌ها در قالب پرسشنامه‌ای باز در اختیار تعدادی از خبرگان که از طریق روش گلوله برفی انتخاب شده بودند قرار گرفت و پس از سنجش اولیه و حذف تعدادی از استعاره‌ها که مورد اختلاف واقع شده بود، صحت مطالب جمع‌آوری شده، از طریق مصاحبه با تعدادی از خبرگان سنجش شد و نتیجه نهایی به شرح ذیل به دست آمد:

دسته‌بندی استعاره‌های دانش موجود در متون دینی

ائمه اطهار علیهم‌السلام همواره از تمامی ابزارها و شیوه‌های کارآمد برای ایجاد تحول روحی و درونی افراد استفاده می‌کردند تا بشر را به سرچشمه هدایت رهنمون سازند. یکی از شیوه‌های بدیع و کارآمدی که ائمه برای نیل به این مقصود به کار گرفته‌اند، تشبیه و تمثیل و استعاره‌های بی‌بدیلی است که در قالب آنها معارف ژرف به روشی گویا و مجسم به تصویر کشیده می‌شوند (محمدقاسمی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶).

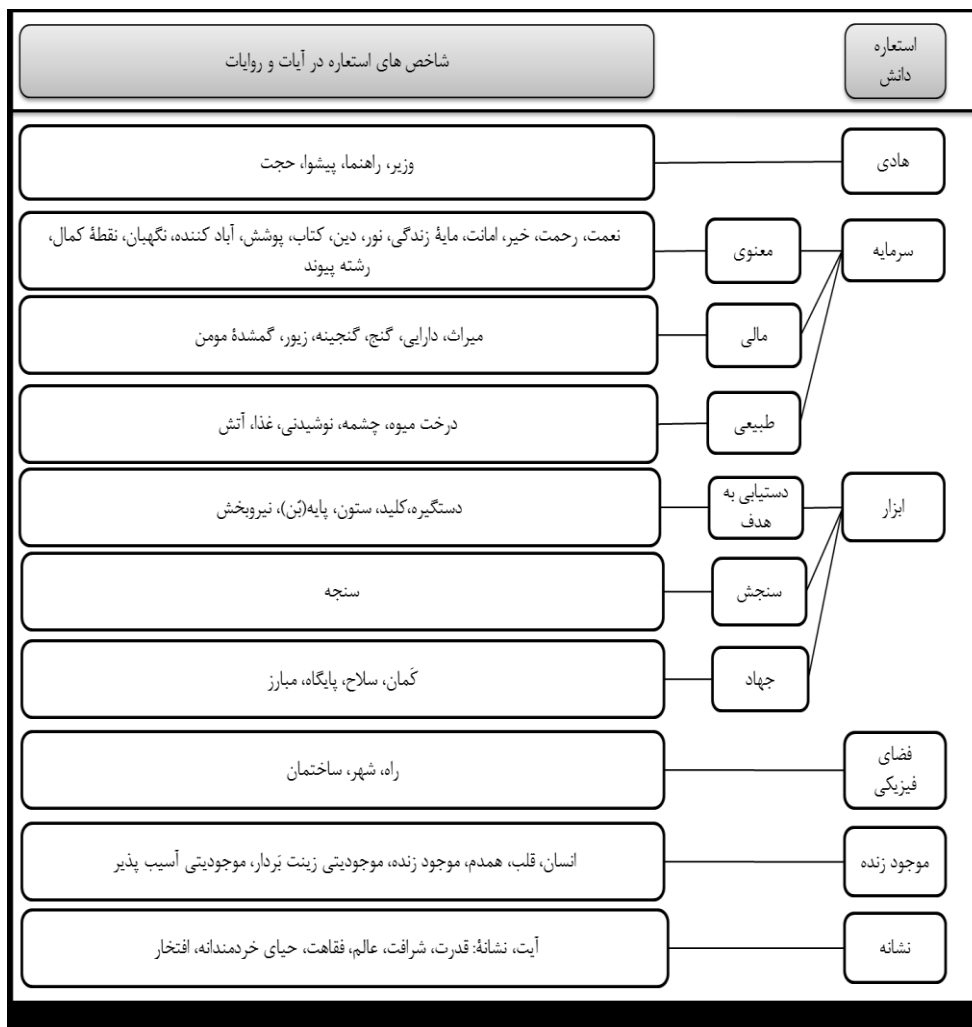
در همین راستا با بررسی آیات و روایات، تلاش شد تا مجموعه‌ای از استعاره‌های دانش موجود در کلام الهی و ائمه اطهار گردآوری شود که این کار با بهره‌گیری از شش مرحله تحلیل استعاره‌ها، که توسط اندرسون (در بخش روش تحقیق بیان شد) مطرح شده انجام گرفت.

پس از انجام شش مرحله تحلیل استعاره‌ها، یک دسته‌بندی از مجموع استعاره‌ها طراحی و در نهایت، صحت الفاظ انتخاب شده برای استعاره‌ها از طریق توزیع پرسشنامه‌ای در میان تعدادی از خبرگان سنجش شد که پس از جمع‌بندی نظرات، اشکالاتی به برخی از این استعاره‌ها وارد شد که تصحیح شدند.

برای ارزیابی در مرحله دوم، سوالاتی در قالب مصاحبه، تدوین و از خبرگان نظرخواهی شد که در نهایت، اجماع نظرات، سبب تدوین یک دسته‌بندی نهایی از

استعاره‌های دانش در متون دینی گردید که نتیجه نهایی کار، در شکل زیر آورده شده است:

دسته‌بندی اصلی استعاره‌های دانش در متون دینی



ویژگی‌های مدیریتی طبق آیات و روایات در شکل مربوط به هر دسته قابل مشاهده است. ویژگی‌های مدیریتی با توجه به وجوه شباهت بین استعاره مبدأ و مقصد نیز، با توجه به ویژگی هر یک از الفاظی که به‌عنوان استعاره‌ای برای دانش تبیین شده‌اند، قابل تشخیص است.

۱. دانش به‌عنوان هادی

استعاره‌های وزیر، راهنما، پیشوا، حجت زیر مجموعه این استعاره می‌باشند. جمع‌بندی روایات این شاخص‌ها در شکل زیر قابل مشاهده است. توجه به ویژگی‌های ظاهری هر یک از این استعاره‌ها توجه ما را به سمت وجوه مشترک میان لفظ دانش و هر یک از استعاره‌ها سوق می‌دهد. توجه به اهمیت نقش یک پیشوا و راهنما در یک سازمان، جایگاه دانش را برای مدیریت بهتر آن ترفیع می‌دهد.

مفاهیم استخراجی از استعاره هادی

زیر مجموعه های استعاره هادی	شاخص های استعاره در آیات و روایات	جنبه های مدیریتی استعاره
راهنما (هادی)	<ol style="list-style-type: none"> دانش، اولین راهنمای شناخته شده، برترین هدایتگر و راهنمایی نیکو است. دانش، راهنمای کشتی تقواست. دانش، به حق و به فرمانهای خداوند رهنمون می‌کند. دانش به شناخت خدا؛ که نهایی ترین هدف انسان است؛ هدایت می‌کند. دانش، راهنمای کسی است که آن را به کار گیرد. ایستادگی به هنگام غلبه هوای نفس؛ با ره جویی از دانش امکان پذیر است. مصاحبت با دانشمند پرهیزگار، وسیله هدایت در پرتوی دانش اوست. 	<ol style="list-style-type: none"> پیشگام، الگو، قابل اعتماد بودن دانش عظمت و قدرت دانش هدایتگر بودن لزوم داشتن وسعت دید گسترده تمرکز بر عملیاتی کردن دانش سبب ایستادگی در برابر مشکلات لزوم آموزش مستقیم
پیشوا	<ol style="list-style-type: none"> دانش، پیشوای عمل و راهبر بردباری است. خردورزی و رأی نیکو، وزیر دانش است. فرمانبرداری از دانش؛ عامل رستگاری انسان است. سفارش همیشگی ائمه به پیروی از دانش، به خصوص دانشی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند. علم داشتن و پیروی نکردن از آن نهی شده است. مخالفت با هوس، فرمانبرداری از دانش است. 	<ol style="list-style-type: none"> اهمیت کاربردی کردن علم، اهمیت بردباری در علم لزوم وجود افکار عاقلانه و نظرات بازارش برای رشد دانش قابل پیروی و قابل اعتماد بودن لزوم داشتن والاترین اهداف در کسب دانش وجود عملیاتی کردن دانش تعیین کننده مرز و قلمروی افکار
وزیر	<ol style="list-style-type: none"> دانش، وزیر مومن و وزیر ایمان است. 	<ol style="list-style-type: none"> یاری دهنده مومن، لازمه ایمان
حجت	<ol style="list-style-type: none"> دانشی که به آن عمل نشود، حجتی برای خدا بر بنده است. دانش، امکان بحث و احتجاج را فراهم می‌آورد. حجتی است که راه عذر و بهانه را بر بهانه جویان مینماید. زمانی میرسد که علم، سراسر عالم را میگیرد و حجت بر بندگان تمام میشود. دانش، حجت نادانی را دور میکند و عمل، حجت دانش را از بین میبرد. دانش، بر انسان حقی دارد. حق آن: بخشیدنش به مستحق و ممانعت از دانش به غیرمستحق است. از علما پیمان گرفته شده است که تعهد خود را به علم به جای آورند 	<ol style="list-style-type: none"> وجوب کاربردی کردن دانش لازمه گفتگو مجموعه ای کامل از قوانین قابل بسط و گسترش اهمیت کاربردی کردن علم لزوم بخشیدن و انتقال دانش لزوم پایبندی به عهد و پیمان دانش و توجه به نقش مسئولیت بخشی دانش

یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان هادی، مفهوم‌سازی شده است:

اهمیت تدوین دانش، به صورتی که در نقش‌الگویی قابل اعتماد، درآمده و عظمت و قدرتی را نشان دهد که سبب هدایت افراد شود؛ ارزشمند بودن دانشی که با یک چشم‌انداز و دید گسترده، اهداف پیش‌رو را تعیین کند؛ تمرکز بر عملیاتی کردن دانش؛ مقاومت و بردباری در برابر مشکلات موجود در مسیر دستیابی به اهدافی که با توجه به دانش کسب شده، طراحی شده‌اند؛ اهمیت آموختن مستقیم دانش، از اهل آن؛ اهمیت جمع‌آوری دانش بر پایه نظرات و رفتارهای عقلایی؛ توجه به طی مسیر صحیح دستیابی به اهداف، به کمک نقش تعیین‌کنندگی دانش، در تدوین و بیان قوانین و حدود لازم؛ اهمیت انتشار و انتقال دانش؛ توجه به نقش‌دهی و مسئولیت‌گذاری برای دارنده دانش.

۲. دانش به‌عنوان سرمایه

۱ - ۲. دانش به‌عنوان سرمایه معنوی

استعاره‌های نعمت، رحمت، خیر، امانت، مایه زندگی، نور، دین، کتاب، پوشش، آبادکننده، نگهبان، نقطه کمال، رشته پیوند زیرمجموعه این استعاره می‌باشند. توجه به نگاه سرمایه‌ای به دانش، آن هم نگاه معنوی که صحبت از نعمت و نور و... را به میان می‌آورد، اهمیت دانش و مدیریت آن را به شکل گسترده‌ای در سازمان نشان می‌دهد.

مفاهیم استخراجی از استعاره سرمایه معنوی (۱)

زیر مجموعه های استعاره سرمایه معنوی (۱)	شاخص های استعاره در آیات و روایات	جنبه های مدیریتی استعاره
مایه زندگی	<ol style="list-style-type: none"> دانش، زندگی بخش جان و دل؛ و میراننده نادانی است. کسب دانش، وسیله زندگی بخشی به انسان است. مایه زندگی اسلام و زندگی روح انسان است. جویای دانش در میان مردمان نادان، همچون شخص زنده است در میان مردگان. دانش، عامل زنده بودن عالم و سبب بهره مندی خود و دیگران است. گفتگوی علمی که به خواسته خدا بینجامد؛ باعث زنده شدن دل‌های مرده است. 	<ol style="list-style-type: none"> وجوب دانش برای هر فرد وجوب کسب دانش برای هر فرد وجوب دانش برای اسلام (صحیح طی کردن مسیر زندگی اسلامی) اهمیت جستجوی دانش اهمیت بهره مندی از دانش خود و دیگران توجه به اهمیت اهداف در گفتگوی علمی
نعمت	<ol style="list-style-type: none"> دانش، عطا شدنی است. آموختن علم به کسی که نمیداند و کسی که اهل آن است، زکات علم محسوب میشود. آموختن دانش به مردم که به سبب راهنمایی افراد است، صدقه دادن محسوب میشود. دانشی که در میان مردم پخش میشود، برترین صدقه است. پدل و بخشش علم، یکی از حقایق ایمان است. آموختن علم به هدف آموزش آن به برادران خود، سفارش شده است. 	<ol style="list-style-type: none"> توجه به ارزشمندی دانش وجوب آموزش علم، اهمیت انتقال دانش لزوم همفکری لزوم پخش دانش لزوم بخشش علم، انتقال علم لزوم آموختن علم، اهمیت تعیین هدف در آموختن علم
نور	<ol style="list-style-type: none"> دانش، روشن کننده خرد و دیدگان است. در صورتی مفید است که اعتقاد درونی به دانش صورت گیرد. دانش برای امر آخرت به انسان داده شده است. انسان باید از نور دانش پیشوایش، بهره گیرد. دانش، شعاعی از معرفت و شناخت خداست. 	<ol style="list-style-type: none"> دانش، لازمه عملکرد و تفکر عاقلانه عقیده به دانش؛ لازمه کاربردی کردن دانش توجه به غایت و هدف نهایی از دانش اهمیت توجه به فرمانهای مربی توجه به هدف هر دانش
دین	<ol style="list-style-type: none"> دانش، دین است. نماز دین است. پس بنگرید که این علم را از چه کسی فرا میگیرید. 	<ol style="list-style-type: none"> توجه به ارزشمندی دانش و اهمیت انتخاب مربی

مفاهیم استخراجی از استعاره سرمایه معنوی (۲)

زیر مجموعه های استعاره سرمایه معنوی (۲)	شاخص های استعاره در آیات و روایات	جنبه های مدیریتی استعاره
نقطه کمال	۱. دانش، اوج هر منزلت والایی است. ۲. سر همه فضائل و خوبی هاست.	۱. توجه به ارزشمندی و مرتبه دانش ۲. اهمیت دانش
نگهبان	۱. دانش از انسان نگهبانی میکند درحالیکه انسان از دارایی نگهبانی میکند.	۱. توجه به نقش کنترل‌کنندگی دانش
آبادکننده	۱. دانش، آباد کننده است. دلی که در آن چیزی از دانش نباشد، مانند خانه ویرانه ای است که آبادکننده ای ندارد.	۱. توجه به نقش دانش در تغییر و تحول مثبت
رحمت	۱. جویای دانش، جویای رحمت است.	۱. اهمیت جستجوی دانش
امانت	۱. دانش، امانت خدا در دست عالمان است. ۲. شرط امانتداری، عمل به علم تعیین شده است.	۱. اهمیت حفاظت از دانش ۲. اهمیت عملکرد شخص دارنده دانش
کتاب	۱. دانش، کتابی ناطق است.	۱. دارای قواعدی تثبیت شده
پوشش	۱. دانش، پوششی در برابر آفتهاست. ۲. دانش، پوشش هر عیبی است	۱. محافظ در برابر بدیهای خارجی ۲. پنهان کننده عیبا
رشته پیوند	۱. دانش، رشته پیوند بین انسان و خداست.	۱. وسیله دستیابی به هدف غالی
خیر	۱. دانش و بردباری زیاد است که خیر است؛ نه مال و فرزند زیاد. ۲. عبادتی که یا دانش همراه نباشد، خیری در آن نیست.	۱. دانش بیشتر، زمینه ساز جذب خیر و برکت بیشتر ۲. مسبب ایجاد خیر و برکت در هر عبادتی

یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان سرمایه معنوی، مفهوم‌سازی شده است:

اهمیت آموزش و آموختن دانش، استفاده و بهره‌مندی از آن؛ اهمیت هدف‌گذاری از کسب علم؛ اهمیت انتقال، اشتراک و گسترش دانش؛ توجه به نقش آن در تفکر و عملکرد عاقلانه؛ لزوم اعتقاد و اعتماد کامل به دانش؛ اهمیت انتخاب مربی و دقت در پیروی از فرمان‌های او؛ توجه به جایگاه رفیع دانش و محافظت از آن؛ دقت در نقش

کنترل‌کنندگی دانش؛ توجه به نقش دانش در تغییر و تحول مثبت؛ نقش دانش در پنهان شدن عیوب و ابزار دستیابی به اهداف متعالی بودن؛ نقش آن در تولید برکت و خیر.

۲ - ۲. دانش به‌عنوان سرمایه مالی

استعاره‌های میراث، دارایی، گنج، گنجینه، زیور، گمشده مومن زیر مجموعه‌های این استعاره هستند. توجه به سرمایه بودن دانش، نقش مهمی در نوع مدیریت آن ایفا می‌کند.

مفاهیم استخراجی از استعاره سرمایه مالی

جنبه‌های مدیریتی استعاره	شاخص‌های استعاره در آیات و روایات	زیر مجموعه‌های استعاره سرمایه مالی
<ol style="list-style-type: none"> ۱. ارزشمندی دانش ۲. ابزار لازم برای طی مسیر درست ۳. منزلت بالای دانش ۴. اثربخشی بلند مدت 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، میراثی ارجمند و گرانبمایه است. ۲. وسیله ورود وارثان به بهشت است. ۳. دانش میراث پیامبران و عالمان است. ۴. دانشی که به ارث گذاشته میشود، ثوابی دائمی برای زمان پس از مرگ انسان است. 	میراث
<ol style="list-style-type: none"> ۱. نیاز به حفاظت خردمندانه ۲. دستیابی بیشتر در شرایط سخت ۳. اهمیت وجود ایمان در کنار دانش ۴. اهمیت داشتن نگاه کاربردی به علم، اهمیت بی توجهی به محیط ناپایدار خارج از سازمان 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، دارای خردمند است. ۲. برترین دارایی و ثروت فقیران است. ۳. برترین مردم مومن توانگر از علم است که اگر نیازی به او باشد؛ علمش را در اختیار دیگران می‌گذارد و برای خودش هم کفایت میکند. ۴. هر کس علم را برای به کار بستن آن بیاموزد، بی رونقی بازار علم او را به هراس نینفکند. 	دارایی
<ol style="list-style-type: none"> ۱. ارزشمندی دائمی دانش، ارزش بالای دانش نسبت به سایر چیزها ۲. اهمیت آموزش و کاربردی کردن دانش برای بهره‌گیری از آن ۳. هر دانش، زیر مجموعه گستره عظیمی از دانشها 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، سودمندترین گنج و بهترین گنجی است که نیکان فرامیگیرند. ۲. دانش همچون گنجی است که باید خرج شود(به کار بسته شود و آموزش داده شود)، تا از سود آن استفاده شود. ۳. دانش موجودیتی گرانبه‌است که معدنی برای آن وجود دارد. 	گنج
<ol style="list-style-type: none"> ۱. اهمیت پرسش برای دستیابی به دانش ۲. ارزشمندی دانش ۳. کسب دانش، سبب ترفیع رتبه فرد و ایجاد مسئولیت/ تعلیم دیدن از مربی زمینه ایجاد مسئولیت 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش گنجینه‌ای است که کلید آن پرسش است. ۲. از گنجینه‌های علم خداست که برای انسان گشوده شده است. ۳. به واسطه در اختیار انسان قرار گرفتن گنجینه‌های دانش خدا، انسان سرپرست شاگردانش شده و حقی بر گردنشان نهاده شده است. 	گنجینه
<ol style="list-style-type: none"> ۱. باعث افتخار و نشان اهل علم ۲. علامت افراد شایسته/ توجه به نسپردن این علامت به افراد ناشایست 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، زیور دوستان و ثروتمندان است. ۲. از سپردن دانش، به نالغان منع شده است. 	زیور
<ol style="list-style-type: none"> ۱. اهمیت جستجوی دانش 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، گمشده مومن است. 	گمشده مومن

یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان سرمایه مالی، مفهوم‌سازی شده است:

توجه به ارزشمندی دانش و لزوم وجود آن در جهت طی مسیر درست؛ اثربخشی طولانی مدت دانش؛ نیازمند حفاظت خردمندانه؛ اهمیت همراه بودن دانش و ایمان؛ دستیابی بیشتر به دانش در شرایط سخت؛ لزوم بی‌توجهی به شرایط موقت پیرامون سازمان؛ اهمیت آموزش و کاربردی کردن دانش؛ توجه به نقش دانش در ایجاد

مسئولیت و ترفیع رتبه فرد؛ توجه به گسترده بودن و مرتبط بودن علوم به یکدیگر؛ اهمیت پرسش و جستجوی دانش و توجه به حفاظت از دانش موجود و حفاظت از دست ناهلان.

۳ - ۳. دانش به‌عنوان سرمایه طبیعی

استعاره‌های درخت میوه، چشمه، نوشیدنی، غذا، آتش زیر مجموعه‌های این استعاره هستند. نگاه سرمایه‌ای، آن هم سرمایه طبیعی که حساس است و نیازمند مراقبت و رسیدگی است، توجه ما را به جنبه‌های جدیدی از دانش برای مدیریت آن جلب می‌کند.

مفاهیم استخراجی از استعاره سرمایه طبیعی

جنبه های مدیریتی استعاره	شاخص های استعاره در آیات و روایات	زیر مجموعه های استعاره سرمایه طبیعی
<ol style="list-style-type: none"> ۱. بی فایده بودن علم بدون عمل ۲. عملکرد عاقلانه لازمه داشتن علم مفید ۳. توجه به فواید متعدد عمل به علم ۴. عملکرد نیکو ابزار دستیابی به دانش 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش بی عمل، همچون درخت بی ثمر است. ۲. ریشه درخت دانش: خرد ۳. از میوه های درخت دانش: تقوا، شناخت خدا و پرستش و خالص کردن کار برای خدا، عمل کردن به آن برای زندگی، بردباری، دوری از هوس، پرهیز از گناه، پیروی از حق، پذیرفتن سخن دانشمندان، خودداری از انتقام گیری در وقت توانایی، زشت شمردن نزدیکی به بدی و نیکو شمردن پیروی از خوبی، راستگویی، پرهیز از شادبهای غفلت آمیز و دوری کردن از انجام آنچه پشیمانی در پی دارد. ۴. چیده شدن میوه دانش یا نیکویی کردار است. 	درخت میوه
<ol style="list-style-type: none"> ۱. لزوم مراجعه مکرر به منابع اصلی ۲. اهمیت اخلاص در کار / توجه به انجام صحیح کار بدون توجه به نوع نگاه اطرافیان 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. چشمه های دانش با قرآن صیقل داده میشوند. ۲. بنده گمنامی که خدا او را می شناسد و مردم نمی شناسندش، از چشمه های دانشند که به سبب آنها هر فتنه تاریکی بر طرف میشود. 	چشمه
<ol style="list-style-type: none"> ۱. همراستایی دانش با میل فطری انسان / دریافت بهره حداکثری از دانش با داشتن ایمان و ایستادگی بر عقاید و قوانین پذیرفته شده 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، یک نوشیدنی گواراست که سیراب شدن از آن با ایمان واقعی به خدا و ایستادگی بر آن امکان پذیر است. 	نوشیدنی
<ol style="list-style-type: none"> ۱. نیاز ضروری برای ترقی ۲. ایجاد کننده میل و رقبت به گسترش حیطه دانایی ۳. جستجوی دانش، مسبب ترقیب به کمال ۴. جستجوی دانش، عامل جذب رضایت واقعی ۵. جستجوی دائمی علم، به عنوان نشانه کمال عقل ۶. تمایل همیشگی به علم و رضایت در آن، به عنوان نشانه عالم 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، وسیله رشد یافتن انسان است. ۲. هر دارنده دانشی، گرسنه دانشی دیگر است. ۳. گرسنه ترین مردم، جوینده دانش است. ۴. جوینده دانش، همچون انسان پرخوری است که سیری ندارد و با این کار خود، به خشنودی خدا می افزاید. ۵. یکی از وجوه کمال خرد، سیر نشدنش از علم است. ۶. دانشمند کسی است که از دانش سیر نشود و به سیر شدن از آن نیز وانمود نکند. 	غذا
<ol style="list-style-type: none"> ۱. اهمیت آموختن علم و انتشار آن 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. دانش، آتشی است که هیزم آن، آموختن به دیگران است. اگر از آتش، چیزی گرفته شود، کم نمیشود ولی اگر هیزمی نداشته باشد، خاموش میشود. 	آتش

یکسری از ویژگی هایی که به وسیله دانش به عنوان سرمایه طبیعی، مفهوم سازی شده

است:

لزوم کاربردی کردن علم برای دستیابی به فواید دانش؛ توجه به نقش دانش در عملکرد عاقلانه و تمرکز بر عملکرد خالصانه و بدون توجه به نگاه دیگران؛ اهمیت مراجعه مکرر به منابع دانش؛ موجد میل و رغبت به گسترش حیطه دانایی و دستیابی به کمال؛ اهمیت آموختن و انتشار علم.

۳. دانش به عنوان ابزار

توجه به لفظ ابزار، توجه مستقیم به اهمیت مدیریت را نمایان می‌سازد؛ زیرا دانش را به‌عنوان ابزاری جهت تحقق ویژگی‌های صحیح مدیریتی در سازمان می‌داند.

۱ - ۳. دانش به‌عنوان ابزار دستیابی به هدف

استعاره‌های دستگیره، کلید، ستون، پایه(بن)، نیروبخش زیر مجموعه‌های این استعاره هستند.

مفاهیم استخراجی از استعاره ابزار دستیابی به هدف

زیر مجموعه های استعاره ابزار دستیابی به هدف	شاخص های استعاره در آیات و روایات	جنبه های مدیریتی استعاره
دستگیره	۱. دانش، دستگیره است و چنگ آویختن به دانش، سفارش شده است.	۱. نجات دهنده بودن علم
کلید	۱. هر کسی برای آموختن دانش، بیرون رود، دری به سوی بهشت به رویش گشوده میشود.	۱. آموختن علم زمینه ورود در مسیر صحیح
ستون	۱. دانش، ستون ایمان، دین و روح است.	۱. استواری دانش با ایمان و دین
نیروبخش	۱. دانش، نیروبخش بدنهای ناتوان است و او را در گذر از پل صراط نیرو میبخشد.	۱. افزایش دانش زمینه افزایش انرژی برای انجام فعالیتها / لزوم دانش بیشتر برای موفقیت‌های بیشتر
پایه(بن)	۱. دانش، ریشه بردباری و ریشه همه خوبیهاست. ۲. دانش، ریشه همه فضائل و هر رفعتی است.	۱. لزوم وجود دانش برای مقاومت در برابر مشکلات و جذب خوبیها ۲. لزوم وجود دانش برای دستیابی به هر رفعت

یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان ابزار دستیابی به هدف، مفهوم-سازی شده است:

ناجی بودن علم؛ لزوم آموختن علم برای قرارگیری در مسیر صحیح؛ لزوم همراه بودن ایمان و دین با دانش؛ نقش کسب دانش در تقویت انرژی لازم برای کاربردی کردن علم؛ مقاوم‌کننده انسان در برابر مشکلات پیش‌رو برای دستیابی به هر رفعتی. توجه به این ویژگی‌ها، چگونگی مدیریت دانش موجود در سازمان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب ایجاد یک نگاه ارزشی به دانش و تقویت انرژی لازم برای انجام فعالیت‌ها می‌شود.

۲ - ۳. دانش به‌عنوان ابزار جهاد

استعاره‌های گمان، سلاح، پایگاه، مبارز زیر مجموعه‌های این استعاره هستند.

مفاهیم استخراجی از استعاره ابزار جهاد

جنبه‌های مدیریتی استعاره	شاخص‌های استعاره در آیات و روایات	زیر مجموعه‌های استعاره ابزار جهاد
۱. ابزار مقاومت در برابر مشکلات	۱. دانش، سلاحی در برابر دشمن است.	سلاح
۱. عمل کردن به دانش به عنوان شرط سود بخشی علم	۱. دانش بی عمل، همچون کمان بی زه است.	کمان
۱. قابلیت اعتماد و تکیه کردن به دانش	۱. دانش، پایگاهی استوار است که باید به آن پناه برد.	پایگاه
۱. اهمیت تسلط دانش بر سایر فعالیتها	۱. هر که دانشش بر هوشش چیره شود، این دانش، دانشی سودمند است.	مبارز

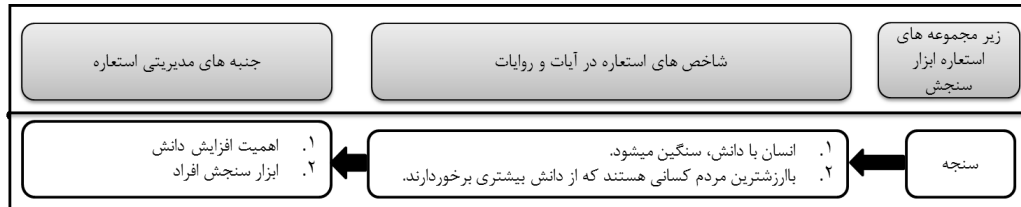
یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان ابزار جهاد، مفهوم‌سازی شده است:

مقاوم‌کننده در برابر مشکلات موجود در مسیر؛ لزوم کاربردی کردن علم؛ اهمیت توجه به صحت علم به جهت ایجاد اطمینان و اعتماد در هنگام کاربردی کردن آن؛ توجه به تأثیر دانش بر تمامی اقدامات.

۳ - ۳. دانش به‌عنوان ابزار سنجش

استعاره سنجه زیر مجموعه این استعاره می‌باشد.

مفاهیم استخراجی از استعاره ابزار سنجش



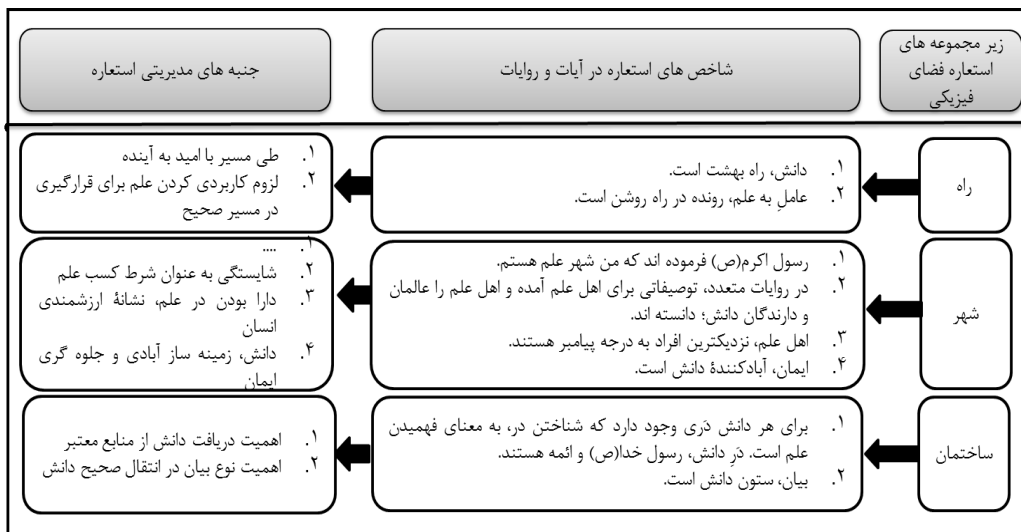
یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان ابزار سنجش، مفهوم‌سازی شده است:

اهمیت افزایش دانش؛ نقش دانش در تشخیص ارزشمندی افراد.

۴. دانش به‌عنوان فضای فیزیکی

استعاره‌های راه، شهر، ساختمان زیر مجموعه‌های این استعاره هستند.

مفاهیم استخراجی از استعاره فضای فیزیکی



یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان فضای فیزیکی، مفهوم‌سازی شده است:

اهمیت توجه به هدف نهایی از کسب دانش؛ لزوم کاربردی کردن علم برای دستیابی به نتایج آن؛ نقش دانش در ارزش‌دهی به انسان و نشان‌دهنده شایستگی فرد؛ لزوم

همراه بودن ایمان با دانش؛ اهمیت دریافت دانش از منابع معتبر؛ اهمیت نوع بیان در انتقال صحیح دانش.

ویژگی‌های یاد شده دانش را به‌عنوان یک شاخصه ارزشمند قلمداد می‌کند که خود به تنهایی به‌عنوان هدف شناخته نمی‌شود؛ بلکه دانش، به‌عنوان فضای فیزیکی و یک بستر ارزشمند برای کسب اهداف والا معرفی می‌شود که این موضوع، اهمیت مدیریت آن را نمایان می‌کند.

۵ - دانش به‌عنوان موجود زنده

استعاره‌های انسان، قلب، همدم، موجود زنده، موجودیتی زینت بردار، موجودیتی آسیب‌پذیر؛ زیر مجموعه‌های این استعاره هستند.

مفاهیم استخراجی از استعاره موجود زنده

زیر مجموعه های استعاره موجود زنده	شاخص های استعاره در آیات و روایات	جنبه های مدیریتی استعاره
همدم	۱. دانش، یاور خرد است و انیس خلوت و یار تنهایی. ۲. برترین همدم است. ۳. خویشاوندی است که پیوند خویش نمی‌برد. ۴. برادر همزاد و رفیق جدانشدنی ایمان است.	۱. لزوم همراهی عقل با دانش/ دانش، همراه همیشگی انسان ۲. آرامش بخش ۳. وجود پیوند دائمی دانش و انسان ۴. همراه همیشگی ایمان
قلب	۱. دانش، قلب ایمان است.	۱. لزوم وجود دانش، برای ایمان
انسان	۱. دانش، همچون انسانی یاری رسان است. ۲. جمالی است که پوشیده نمی ماند. ۳. سر دانش: افتادگی، تواضع، مدارا، قدرت تشخیص خوب و بد، آشکار کردن پسندها و درهم کوفتن ناپسندها ۴. مغزش: شناخت اسباب امور است. ۵. زبانش: راستی است. ۶. پشتیبانش: خرد است که اگر پشتیبانش نباشد، موجب سرگستگی و گمراهی است. ۷. مرکبش: خرد است. ۸. میراثش: ترس از خداست. ۹. همدوشش: عمل است.	۱. کمک کننده در طی مسیر ۲. وجود وعده مشاهده حتمی اثرات دانش ۳. توجه داشتن به مراحل اولیه و پایه دانش ۴. لزوم درک اتفاقات پیرامون ۵. اهمیت صحت دانش ۶. هر دانشی سبب عملکرد عاقلانه میشود. ۷. ۸. ترس از خدا به عنوان نتیجه دانش ۹. لزوم عملیاتی شدن علم
موجود زنده	۱. نیک فرجام ترینش: آن است که بر عمل انسان در دنیا بفزاید. ۲. بردبار را امیر می کند و صاحب نظر را وزیر و فرد پست را بلند مرتبه می کند. ۳. زشتی های افسارگسیخته را در بند میکشد و درستی و استواری را نزدیک میگردداند. ۴. از بین برنده حرص، فریبکاری و بخل است. ۵. بر خرد خردمند می افزاید و به فراگیرنده خود صفات پسندیده میدهد.	۱. عمل کردن به علم، به عنوان نقطه کمال دانش ۲. بالا برنده قدرت تحمل، قدرت بیان نظرات و زمینه بروز استعدادها ۳. محدودکننده خطاها ۴. از بین برنده حرص، فریبکاری و بخل ۵. در انتشار دانش ۶. مستبذ افزایش عقل و دریافت صفات پسندیده
موجودیتی قابل تزئین	۱. کسی که دانشی را زنده کند؛ هرگز نمی میرد و مورد رحمت خداست. ۲. زنده کردن دانش، با مذاکره علمی یا دینداران و پارسایان رخ میدهد. ۳. دریند کشیدن دانش، با نوشتن آن امکان پذیر است. ۴. آمدن دانش به سمت انسان، نشان از برتری او نسبت به دیگران است. ۵. رفتن دانش، با درگذشت علما اتفاق می افتد.	۱. اهمیت حفاظت از دانش ۲. اهمیت مذاکره با دینداران، اهمیت انتشار دانش ۳. اهمیت مکتوب شدن دانش ۴. اهل علم بودن زمینه دریافت برکات علم ۵. توجه به قدردانی از علما و استفاده از دانششان
موجودیتی آسیب پذیر	۱. زینت دانش: بردباری، تواضع، خاموشی، حفظ برهانها و دلایل، احسان و نیکوکاری و متانت بردباری است.	۱. زیبا شدن دانش با بردباری، تواضع و.....
	۱. آفت علم، فراموشی و ترک عمل کردن به آن است. ۲. ضایع کردن علم با بازگو کردن علم یا آموختن آن به ناهلان است.	۱. مراقبت از علم در برابر فراموش شدن و کاربردی نشدن دانش ۲. توجه به فرآیند انتقال دانش، و اهمیت توجه به اطمینان از شایستگی دریافت کننده دانش

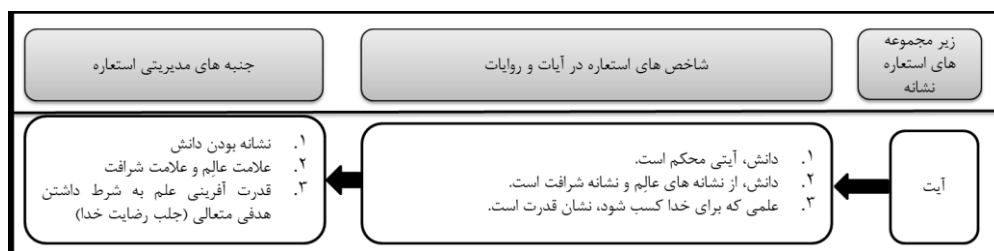
یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان موجود زنده، مفهوم‌سازی شده است:

لزوم عملکرد عاقلانه برای ارزشمند شدن دانش؛ لزوم حضور دانش در تمام عرصه-های زندگی انسان برای درک حوادث پیرامون و به جهت کسب ایمان؛ کمک‌رسان در طی مسیر زندگی؛ مسبب اطمینان از اثربخش بودن دانش کاربردی؛ اهمیت توجه به مراحل اولیه و پایه‌ای دانش؛ اهمیت صحت دانش؛ توجه به این مطلب که کمال علم، عملیاتی شدن آن است و در صورت عملیاتی شدن، عملکرد عاقلانه را به همراه می‌آورد و سبب محدود کردن و از بین بردن خطاها می‌شود؛ مسبب افزایش قدرت تحمل، قدرت بیان نظرات و بروز استعدادهاست؛ لزوم توجه به اهمیت مذاکره با اهل آن؛ اهمیت انتشار دانش و توجه به فرآیند انتقال و توجه به شایستگی دریافت‌کننده دانش؛ مسبب دریافت برکات الهی است؛ دقت در اهمیت استفاده از علوم متخصصان؛ اهمیت تواضع، بردباری، حفاظت از علوم، بخشیدن دانش در راه کسب علم؛ توجه به لزوم حفاظت از دانش و کاربردی کردن آن.

۶ - دانش به‌عنوان نشانه

استعاره‌های دستگیره، کلید، ستون، پایه(بن)، نیروبخش زیر مجموعه‌های این استعاره هستند.

مفاهیم استخراجی از استعاره آیت(نشانه)



یکسری از ویژگی‌هایی که به وسیله دانش به‌عنوان نشانه، مفهوم‌سازی شده است: دانش، نشانه شرافت و عالم است؛ دانشی که برای رضای خدا باشد، نشانه قدرت انسان است.

توجه به این ویژگی‌ها اهمیت دانش را نمایان و مدیریت آن را به‌عنوان یک ارزش والا و حقیقی مطرح می‌کند که تلاش برای مدیریت صحیح دانش را به‌عنوان یک امر مقدس دانسته که این موضوع، سبب تحمل آسان‌تر هرگونه سختی در مسیر مدیریت شایسته دانش می‌شود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد، برای هر دسته از استعاره‌ها ویژگی‌هایی عنوان شد که نشان‌دهنده جایگاه ارزشمند دانش برای دستیابی به اهداف است. با توجه به آیات و روایات، می‌توان اینگونه بیان کرد که اهدافی که از نظر ائمه تدوین شده‌اند و نیازمند مدیریت صحیح دانش هستند؛ اهدافی با نگاه دنیایی به دانش را دنبال نمی‌کنند؛ بلکه به‌کارگیری دانش را وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف غایی و کسب رضایت خدا قلمداد می‌کنند. این نوع دیدگاه، سبب ارتقا نگاه انسان به مبحث مدیریت دانش شده و سیر مدیریتی علوم را در گستره‌ای وسیع و با تکیه بر جنبه‌های اسلامی ترسیم می‌کند که سبب تمرکز هر چه بیشتر بر نقش دانش در تعالی سازمان‌ها خواهد شد. در همین راستا تلاش برای تمرکز بر نکات کلیدی مدیریتی مطرح شده در آیات و روایات به‌عنوان یک مسیر مشخص و یک راه مستقیم برای بهبود عملکرد سازمان‌ها و دستیابی به هدف والای الهی ترسیم شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- افراشی، آزیتا و تورج حسامی (۱۳۹۲). «تحلیل استعاره های مفهومی در یک طبقه بندی جدید با تکیه بر نمونه هایی از زبان های فارسی و اسپانیایی»، نشریه پژوهش های زبان شناسی تطبیقی، سال سوم، شماره ۵، ص ۱۴۱-۱۶۵.
- بهنام، مینا (۱۳۸۹)، «استعاره مفهومی نور در دیوان شمس»، نقد ادبی، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۹۱-۱۱۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ معرفت شناسی در قرآن، قم: اسراء.
- جوانعلی آذر، مرتضی (۱۳۹۱)، «سیمای سازمان از نگاه اسلام در پرتو استعاره امانت»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- داوری اردکانی، رضا و دیگران (۱۳۹۱)، زبان استعاری و استعاره های مفهومی، تهران: هرمس.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و خدیجه حاجیان (۱۳۸۹)، «استعاره های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»، نقد ادبی، سال سوم، شماره ۹، ص ۱۱۵-۱۳۹.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۳)، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
- محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۸)، «جلوه هایی از هنر تصویر آفرینی در روایات ائمه اطهار»، علوم قرآن و حدیث، شماره ۵۲، ص ۲۴۵-۲۵۹.
- هوشنگی، حسین و محمود سیفی پَرگو (۱۳۸۸)، «استعاره های مفهومی در قرآن از منظر زبان شناسی شناختی»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره ۳، ص ۹-۳۴.
- وارث، سیدحامد (۱۳۸۰)، «سیمای سازمان از نگاه مورگان»، دانش مدیریت، سال چهارم، شماره ۵۲، ص ۲۷-۶۲.

- Andriessen, Daniel (2006), "On the metaphorical nature of intellectual capital: a textual analysis", *Journal of Intellectual Capital*, Vol.7, Iss.1, pp. 93-110.
- Andriessen, Daniel (2008), "Knowledge As Love.How metaphors direct our efforts to manage knowledge in organisations", *knowledge management research & practice*, THE 5th critical management society conference, pp. 5-12.
- Andriessen, Daniel (2011), *Metaphor use in Knowledge Management*, Encyclopedia of Knowledge Management.
- Bratianu, Constanin, & Andriessen, daniel (2008), *knowledge as energy: ametaphorical analysis*, ECKM, Southampton, UK.
- Jean-Baptiste P.L. Faucher André M. Everett Rob Lawson (2008), "Reconstituting knowledge management", *Journal of Knowledge Management*, Vol.12, Iss. 3, pp.3-16.
- Skorczyńska, Hanna (2014), "Metaphor and education: Reaching business training goals through multimodal metaphor", *Procedia - Social and Behavioral Sciences 116 & 5th World Conference on Educational Sciences*, WCES 2013, 2344-2351.
- Steen, Gerard (2011), "The Language of Knowledge Management: A Linguistic Approach to Metaphor Analysis", *Systems Research and Behavioral Science*, pp.181-188.